

رابرت چارلز زینر

(۱۹۷۴-۱۹۱۳)

ان لمتون

وسیعی از منابع و مأخذ اصلی، خود باعث آن بود که بتواند به نحو احسن از عهده مسئولیت‌های این کرسی برآید؛ که با شایستگی تمام نیز چنین بود و شهرتی جهانی برای وی به ارمغان آورد. در ۱۹۶۶ به عضویت آکادمی بریتانیا انتخاب شد.

در مطالعات زرتشتی‌گری و مذاهب تطبیقی سهمی اساسی داشت. *زروان*^۲ (۱۹۵۵) او یک بررسی علمی و مفصل زرتشتی‌گری است و کتاب *طلوع و شامگاه زرتشتی‌گری*^۳ او نیز شرحی عالمانه از تحولات این دین. او در کتاب *عرفان مقدس و شطح‌گونه*^۴ (۱۹۵۷) که در واکنش به کتاب *درهای ادراک*^۵ آلدوس هاکسلی نوشت، پای در عرصه مطالعات عرفان تطبیقی نهاد. وی براساس آن چه عرفای مسیحی، هندی و مسلمان درباره خودشان می‌گویند با قائل شدن تمایز میان عرفان وحدت وجودی^۶ از یک سو و عرفان یکتاپرست^۷ از سوی دیگر، یعنی تمایز بین «تمام آن‌هایی که باری تعالی را به نحوی غیرقابل قیاس از خویش برتر می‌بینند آن هم به رغم آن که او در عین حال ریشه و زمینه وجودی آن‌ها را نیز تشکیل می‌دهد و آن‌هایی که بر این باورند که نفس و ذات الهی یکی است و همانند، و مابقی سرابی بیش نیست» این «پیش فرض، رایج و مبتذل»، را در هم شکست که ادعا داشت کل عرفان «ذاتاً یکی است و همانند». پروفیسور زینر در ۱۹۴۶ به عضویت کلیسای کاتولیک در آمده بود، ولی به گونه‌ای که راه و رسمش بود، هر دو دیدگاه را توضیح داده، آنگاه بر عهده خواننده گذاشت که خود براساس داده‌های ارائه شده داوری کند. در اشاره به سهم اساسی زینر در مطالعات هندوشناسی هم از کتاب *هندوئیسم*^۸ (۱۹۶۲) او باید یاد کرد و هم ترجمه او از *به‌گود گیتا*^۹ و حواشی‌اش بر آن (۱۹۶۹). او در ویرایش و نگارش بخش‌هایی از *دایرةالمعارف مختصر ادیان زنده*^{۱۰} (۱۹۵۹) که یکی از بهترین پیش‌درآمدهای موجود در این زمینه محسوب می‌شود نیز نقش داشت.

در ۱۹۵۹ سخنرانی‌های جوردن را در مدرسه مطالعات شرقی و افریقای [دانشگاه لندن] برعهده گرفت و سخنرانی‌هایی که ارائه کرد بعدها تحت عنوان *عرفان هندی و اسلامی*^{۱۱} منتشر شد. در ۶۹-۱۹۶۸ سخنرانی‌های گیفوردر را در [دانشگاه] سنت اندروز ارائه کرد و در این میان با علاقه فزاینده‌ای که نسبت به حوزه مابین آگاهی و فراآگاهی پیدا کرد، در کتاب *مخدرات، عرفان و خیال* (۱۹۷۲)^{۱۲} و آخرین کتابش - *خدای وحشی ما*^{۱۳} - بدان پرداخت.

زینر از جمله ایران‌شناس‌ها و شرق‌پژوهانی است که به نظر می‌رسد تنها در سال‌های اخیر آثار و فعالیت‌های او در ایران مورد توجه قرار گرفته است. ظاهراً حتی درگذشت او در پاییز ۱۹۷۴ / ۱۳۵۳ نیز در نشریات وقت بازتابی نداشته است. در سال‌های اخیر هم به فعالیت‌های او در مقام یکی از مأمورین اطلاعاتی بریتانیا در سال‌های پایانی جنگ دوم جهانی و همچنین مراحل نخست بحران نفت اشاره شده و هم برای ترجمه پاره‌ای از نوشته‌های او در باب ادیان باستانی ایران اقداماتی به عمل آمده است. مقاله‌ای که ان لمتون، همکار و همراه او در هر دوی این عرصه‌ها در رثای او نوشت^۱ و اینک ترجمه فارسی آن ارائه می‌شود، از گوشه‌هایی از این زندگانی نسبتاً کوتاه علمی و سیاسی، تصویری کلی به دست می‌دهد.

کاوه بیات

پروفیسور آر. سی. زینر که به صورتی ناگهانی در ۲۴ نوامبر ۱۹۷۴ فوت کرد، به هنگام درگذشت استاد کرسی اسپالدینگ در مذاهب و اخلاقیات شرقی دانشگاه اکسفورد و از اعضای [کالج] آل سولز بود. او در ۸ آوریل ۱۹۱۳ از پدر و مادری سوئیسی زاده شد که به انگلستان مهاجرت کرده بودند. تحصیلکرده مدرسه تانبریج بود و به کسب یک بورس تحصیلی برای ادامه تحصیلات در رشته کلاسیک در کرایست کالج [اکسفورد] نایل آمد. پس از آن که در نخستین آزمون کلاسیک‌ها به رتبه دوم دست یافت به مطالعات شرقی روی آورد و با تمرکز بر زبان فارسی در سال ۱۹۳۶ به رتبه اول دست یافت. در سال‌های پیش از جنگ مطالعاتش را در فارسی کهن و میانه، تحت راهنمایی پروفیسور (و بعدها سیر) هارولد بیلی پی گرفت. بخشی از خدمات دوره جنگ خود را در فاصله سال‌های ۳۷-۱۹۴۳ در سفارت بریتانیا در تهران گذراند؛ دانش او در زمینه فارسی و شناختش در مورد ایران، ارزش فراوانی داشت. با ایرانیان بسیاری آشنا شد که او را با علاقه و احترام زیادی دوست داشتند. پس از مراجعت به اکسفورد در ۱۹۵۰ استادیار زبان فارسی شد. در سال‌های ۵۲-۱۹۵۱ که دولت بریتانیا مجدداً از خدمات او بهره‌مند شد، از اکسفورد مرخصی گرفت و در مقام کنسولیار راهی تهران گردید. در ۱۹۵۲ به استادی کرسی اسپالدینگ در زمینه مذاهب و اخلاقیات شرقی انتخاب شد که عضویت در کالج آل سولز را نیز به همراه داشت. دانش و علائق او در عرصه مطالعات و تحقیقات مذهبی، همراه با اطلاعاتی گسترده و توان مطالعه طیف

وفاداری و سهیم شدن در بسیاری از حکایت‌های فوق‌العاده خوشمزه‌ای که بیان می‌کرد نیز به یاد خواهند داشت. شخصی بود سرشار از شور و اشتیاق؛ آرائی سرسخت داشت ولی هیچ‌گاه در پی تحمیل آن‌ها بر دیگران نبود. حال اگر نگوئیم غیرمتعارف، ولی شخصیتی فوق‌العاده بدیع داشت: شگفت آن که از طریق «آن چه کاتولیک‌ها مجاری متعارف مرحمت الهی می‌نامند» به یک تجربه عمیق دینی ره یافت.

1. Ann K.S. Lambton, "Robert Charls Zaehner" in *Bulletin of the School of Oriental and African Studies, University of London*, Vol. 1. 38.No.3 (1975), pp. 623 - 624.

2. Zurvārān

3. *The down and twilight of Zoroastrianism*

4. *Mysticism Sacred and Profane*

5. *The doors of Perception*

6. Monism

7. Theistic Mysticism

8. Hinduism

9. *Bhagavad-gita*

10. *The Concise encyclopaedia of Living Faiths*

11. *Hindu and Muslim Mysticism*

12. *Drugs, Mysticism and Makebelieve*

13. *Our Savage God*

پروفسور زینر ذهنی منطقی و نیرومند داشت. با تشتت فکری و تنبلی ذهنی بیگانه بود و همیشه تأکید داشت که از مفاهیم خود تعریفی دقیق به دست دهد. نوشته‌هایش نیز صریح و روشن بود. هر چند در استفاده از داده‌ها و دانسته‌هایش میزان مناسبی از شک و تردید را ملحوظ می‌داشت و حاضر نبود فراتر از آن چه شواهد اجازه می‌داد، گام بر دارد ولی از موهبت نوعی بصیرت نیز بی‌بهره نبود. در تحقیقاتش در عرصه مطالعات تطبیقی ادیان، در این دام گرفتار نمی‌شد که دین را به مثابه مسئله‌ای تلقی کند که باید در حل و فصل آن کوشید. با احتراز از ساده‌گردانی‌های مفرط و طرح راه‌حل‌های آسان، بیشتر به درک و فهم چیزی اهتمام داشت که دین را از نیروی همراهی و وفاداری برخوردار می‌کرد.

درس گرفتن از پروفسور زینر تجربه‌ای شوق‌انگیز بود. به رغم مسئولیت‌هایش به عنوان استاد کرسی اسپالدینگ، کماکان در آموزش فارسی به سال اولی‌ها کمک می‌کرد. اگرچه شاید برای سروکله زدن با ابلهان حوصله لازم را نداشت ولی برای دانشجویان جدی از هیچ اقدامی فروگذار نمی‌کرد. لذت آشکار پروفسور زینر از زبان فارسی، همراه با تأکید خاص او بر رعایت قواعد تحقیق و نظم کامل فکری، رُس شاگردانش را کشیده، باعث می‌شد توانایی‌هایشان بروز کند.

در شناسایی و درک ناساز و ناهمسان، حسی قوی داشت - از خوانندگان پروپاقرص آلیس در سرزمین آینه‌ها بود - و آن‌هایی که از امتیاز همکاری با او برخوردار بودند از لطف این همراهی اطلاع دارند، و او را نه فقط از لحاظ مراتب دانش و دانش پژوهی، که از لحاظ



کتاب خورشید

زنان برابر چشم‌انداز رودخانه

هاینریش ییل
ترجمه کلهران جمالی

چاپ اول، ۱۳۸۹

هاینریش ییل از برجسته‌ترین نویسندگان معاصر آلمان است که در سال ۱۹۷۴ برنده جایزه ادبی نوبل شد. زمان زنان برابر چشم‌انداز رودخانه آخرین اثر اوست و پس از مرگ وی در سال ۱۹۸۵ به چاپ رسید. این رمان با ساختاری بدیع، به صورت گفتگو و تک‌گویی نوشته شده است. صحنه حوادث آن، شهر زین است و به روابط و رویدادهای پشت پرده آلمان می‌پردازد. همپون دیگر آثار او، زنان نقش پررنگ - مستقیم و غیرمستقیم - در روند رویدادها به صحنه دارند.



زنان برابر چشم‌انداز رودخانه

شماره تماس: ۸۸۷۲۲۲۴

www.katab-e-khorshid.com

چاپار

پیشرو در ارائه خدمات کتابداری و اطلاع رسانی

- فروش تجهیزات کتابخانه‌ای (لوازم چوبی، کاغذی و فلزی) با کیفیتی مطلوب و استاندارد
- تهیه منابع اطلاعاتی (کتاب، نشریه، نرم‌افزارهای کتابخانه‌ای) داخلی و خارجی
- ارائه خدمات فهرستنویسی، نمایه‌سازی، چکیده نویسی و آماده سازی منابع اطلاعاتی
- طراحی و راه‌اندازی کتابخانه‌ها و مراکز اطلاع‌رسانی



آدرس: تهران - خیابان ولیعصر (عج) - پلاک ۱۱
میدان ولیعصر (عج) - بعد از تقاطع خیابان ارتشت
کوه شهید بهریش - پلاک ۴ - تلفن: ۸۸۸۹۶۷۸ - دوتگانه: ۸۸۹۰۳۷۹۸

www.chaparlhb.com